

روایات بخشش گناهان آینده؛ ارزیابی و تحلیل معناشناختی

علی هابطی نژاد^۱ - غلامعباس رفیع^۲ - محمد حسین مختاری^۳

چکیده

در تعداد قابل توجهی از روایات به بخشش گناهان آینده با عباراتی مشابه عبارت «غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» اشاره شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی این تعداد از روایات، ارزیابی و معناشناسی و تحلیل مراد از غفران، گناهان آینده یا «ذنوب ما تأخّر» است. برای این کار ابتدا روایات دارای این عبارت مورد شناسایی قرار گرفته و سپس برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره معنای این دسته از روایات ارائه شده است. در ادامه نیز با شناسایی دیگر روایات مرتبط، به روش تحلیلی-انتقادی به تبیین و تحلیل معنای عبارت یادشده پرداخته و پنج نظریه در این باره ارزیابی شده است. دستاورد پژوهش نشان دهنده آن است که مراد از غفران، ذنوب ما تأخّر ضمانت بخشش گناهان آینده فرد نیست تا به اباحه‌گری بینجامد؛ بلکه رسیدن فرد به مرحله‌ای از معرفت است که به اختیار خود گناهان را ترک کند.

کلیدواژه: زیارت ابا عبد الله علیه السلام، غفران، بخشش گناهان، گناهان آینده، ذنوب ما تأخّر.

۱. دکترای مدرسی معارف دانشگاه تهران، مدرس حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول). habeti@ut.ac.ir

۲. سطح سه حوزه علمیه قم، استاد حوزه و مدیرمسئول دانشنامه حدیثی التبیین. abas.rafi@gmail.com

۳. سطح سه حوزه علمیه قم، پژوهشگر دانشنامه حدیثی التبیین. Hosseinms3133@gmail.com

مقدمه

مفهوم گناه یا «ذنب» یکی از محوری‌ترین مفاهیم مطرح در تفکر و اندیشه دینی است. اگرچه این مفهوم در میان مفاهیم بشری مربوط به حیات دنیوی با واژه «خطا» و مترادفات آن مانند اشتباه، غلط، لغزش، جرم و خلاف نیز شناخته شده، در گستره مفاهیم دینی به علت ارتباط با موضوع بخشش و غفران و یا عذاب و بازخواست خداوند در دنیا یا آخرت و تعیین مصادیق آن در حیات دنیوی و تأثیرش در حیات ابدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مؤمنان به یک مکتب و دین همواره در پی شناخت خطوط قرمز و عواقب گذر از آن‌ها در آموزه‌های آن مکتب و دین بوده‌اند. در قرآن به عنوان متن اصلی دین اسلام و همچنین در سنت و روایات اسلامی، داده‌های فراوانی درباره گناه و ذنب و بخشش و غفران آن و تبیین مصادیق گناه و بخشش با تأکید بر رابطه بین افعال آدمی در دنیا و وقایع قیامت و حیات ابدی دیده می‌شود. در دسته قابل توجهی از روایات اسلامی به ویژه روایات مربوط به زیارت اباعبدالله علیه السلام به بخشش گناهان آینده انسان با عباراتی مشابه عبارت «غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۲/۴) اشاره شده است. بخشش گناهانی که در این عبارات با واژه «ما تقدّم» مورد اشاره قرار گرفته، موضوعی است که در ادبیات مفاهیم دینی روشن بوده و از اساس به معنای بخشش گناهان و خطاهای انجام شده است و شامل مغفرت و خطاپوشی نسبت به کار نکرده نمی‌شود. اما سخن از بخشش آنچه هنوز محقق نشده و خطاپوشی درباره خطایی که واقع نشده، اگرچه از دیدگاه عقلانی امری ممکن است، در ظاهر با روح کلی ادیان و اهداف تشریح شریعت مخالف بوده و قبول آن به اثبات، از راه استناد قطعی به منابع دینی نیازمند است. مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی، ارزیابی و معناشناسی روایات مربوط به بخشش گناهان آینده است. برای این کار، ضمن جست‌وجو در مسائل فرعی، روایات مربوط به موضوع در مجموعه سنت اسلامی با تأکید بر روایات امامیه شناسایی شده و اسناد و دیدگاه صاحب نظران در معنایی این روایات بررسی و ارزیابی خواهد شد. در نهایت نیز معناشناسی و تحلیل مراد از غفران گناهان آینده یا «ذنب ما تأخّر»

صورت خواهد گرفت. ضرورت پرداختن به این موضوع با نگاه به بُعد کلامی آن و نتایج حاصل از کج فهمی این دسته روایات آشکار می شود. عدم دقت در فهم مدلول صحیح روایات مربوط به بخشش گناهانی که هنوز محقق نشده اند، می تواند موجب فهمی غلط از مسئله مغفرت و عفو الهی و گسترش و ترویج نوعی اباحی گری شود. توضیح مطلب اینکه در نتیجه چنین فهمی ممکن است این تصور در برخی افراد ایجاد شود که انجام بعضی افعال و رفتارهای دینی موجب ضمانت بخشش الهی بوده و پس از آن، حفظ خود از معاصی و گناهان لازم نیست.

پیشینه پژوهش

پیشینه کم رنگ بررسی معناشناختی این دسته از روایات، ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان کرده و نوآوری آن را آشکار می سازد. عبدالعلی پاکزاد در مقاله «بررسی دلالتی و حل تعارض روایت "فمن زارنی عارفاً بحقی غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر" با "صحیحۀ خیثمه"» (۱۴۰۱) به بخشی بسیار جزئی از این مسئله پرداخته و چنین نتیجه گرفته که آموزش صغایر با اجتناب از کبایر، به دارندگان ولایت و عارفان به حق اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد. مهدی ساجدی نیز در نشست علمی «اکاوی معنای آموزش گناهان متأخر در روایات زیارت امام حسین علیه السلام» به بخشی دیگر از این موضوع پرداخته و مدعی شده که مراد از روایات بخشش گناهان آینده برای زائر امام حسین علیه السلام، از میان رفتن آثار منفی عمل در دنیا و آخرت است. اطلاعات کاملی از محتوای جلسه یادشده در دسترس نیست (پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه؛ حدیث نت، ۱۴۰۳) همچنین روح الله راسل در مطلبی با عنوان «ترجمۀ صحیح ما تقدّم و ما تأخّر در قرآن و روایات» (۱۳۹۸) مباحثی از دیدگاه ادبیات عرب درباره معنای این واژه ارائه کرده و ترجمۀ عبارت «ما تأخّر» به فعل مضارع را در بسیاری از تفاسیر و ترجمه های قرآن کریم و احادیث نقد کرده است. او بر آن است که این فعل ماضی در همان معنای ماضی بودن خود استعمال شده که تحلیل این برداشت از آنچه در پژوهش حاضر می آید، آشکار

خواهد شد. صرف نظر از منابع تفسیری و شروح حدیث که البته محدود بوده و درباره آن سخن خواهد رفت، پژوهش دیگری که بتوان از آن به عنوان پیشینه موضوع پژوهش یاد کرد، پیدا نشد.

در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، ابتدا روایات دارای عبارات مشابه با عبارت یادشده شناسایی شده و سپس این دسته از روایات از نظر سندی و دلالتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در گام بعد نیز دیگر روایات مربوط به معناشناسی این فقره شناسایی و تحلیل شده و سپس پنج فرضیه در معنای این دسته ارائه شده و در نهایت به تبیین و تحلیل فرضیه‌های یادشده پرداخته خواهد شد. درباره روش ارزیابی روایات نیز باید گفت که در پژوهش حاضر به روش رایج در میان متأخران مبنی بر تقسیم چهارگانه روایات به صحیح، حسن، مؤثق و ضعیف بسنده نشده و از روش موسوم به «فهرستی» برای تجمیع قراین اعتمادساز به صدور روایت، بهره گرفته شده است.

۱. شناسایی روایات

در گام اول به شناسایی و معرفی روایات دارای عبارات مشابه با عبارت «ما تقدّم و ما تأخّر» و دسته‌بندی آن‌ها به همراه ارزیابی سندی و متنی پرداخته می‌شود. در این بخش، نتایج حاصل از جست‌وجوی عبارت یادشده و موارد مشابه در نرم‌افزارهای حدیثی نور پس از بررسی و حذف موارد مشابه در قالب زیر قابل ارائه است:

۱-۱. روایات ثواب زیارت معصومان علیهم‌السلام

در میان روایات امامیه، در توصیف فضیلت زیارت سه امام معصوم علیهم‌السلام روایاتی با مضمون مورد نظر وجود دارد:

۱-۱-۱. روایات زیارت امام علی علیه‌السلام

شیخ طوسی در امالی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل کرده است: «مَنْ زَارَ

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بُعِثَ مِنَ الْأَمِينِينَ وَ هُوَ عَلَى الْحِسَابِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۱۴). طبری نیز در بشارة المصطفی با سند خود این روایت را از طوسی نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

۱-۲. روایات زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

کلینی در میان روایات باب «فضل زیارة ابي عبد الله الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ» سه روایت نقل کرده که زیارت از روی معرفت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را سبب بخشش گناهان دانسته است. روایت هشتم باب یاد شده چنین است: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۲/۴). دو روایت دیگر نیز با تفاوتی جزئی همین معنا را بیان می‌کنند. ابن قولویه در باب ۵۴ کامل الزیارات: «ثواب من زار الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ عارفاً بحقه»، هفده روایت آورده که در همه به جز دو روایت آخر، بخشش گناهان ما تقدم و ما تأخر به عنوان نتیجه زیارت امام با قید معرفت به حق امام وعده داده شده است. روایت سیزدهم باب یاد شده با سند صحیح چنین است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۰). ابن قولویه این روایت را از کلینی نقل کرده و متن آن با تفاوتی جزئی مطابق با روایت سوم کافی است. در سند کافی نیز از آنجاکه ابن مسکان روایت را به واسطه غسان (حسان) بصری که فردی مجهول است، نقل کرده، روایت ضعیف شمرده شده؛ حال آنکه نقل کامل الزیارات به علت عدم حضور غسان صحیح است. براساس داده‌های نرم افزار درایة النور ۳، نقل ابن مسکان از غسان در میان روایات فقط در دو مورد دیده می‌شود و این در حالی است که نقل مستقیم ابن مسکان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بیش از ۳۶۰ مورد است و این احتمال وجود دارد که نام غسان از نسخه‌های کامل الزیارات افتاده باشد. آنچه مهم است نقل این روایت و روایات هم مضمون در منابع

دیگر با سند صحیح است. صدوق در باب «ثواب من زار قبر الحسین علیه السلام» از ثواب الاعمال همین روایت را با سند مشابه و صحیح و البته بدون وساطت غسان نقل کرده (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱۱۱) و افزون بر این، سه روایت دیگر نیز با همین معنا آورده است. ابن قولویه خارج از باب ۵۴ کامل زیارات نیز روایاتی با همین مضمون آورده (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۹۲، ۳۳۱) و البته در مواردی این ثواب برای زیارت در زمانی خاص مانند عید قربان، عید فطر و نیمه شعبان مطرح شده است (همان، ۱۸۰، ۱۸۱). روایات مشابه نیز در منابع روایی یافت می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۸۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۴۹، ۱۰۸؛ همو، ۱۴۱۴: ۲۱۴).

۳-۱-۱. روایات زیارت امام رضا علیه السلام

کلینی از حمدان از امام جواد علیه السلام چنین روایت کرده است: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ فَقَالَ لِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي علیه السلام مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۸۵). ابن قولویه همین روایت را از حمدان الدسوی [الدستوایی] با تفاوتی جزئی در عبارت مؤخر نقل کرده و سپس روایت کافی را به عینه به صورت جداگانه آورده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰۴). حمدان الدسوی همان حمدان بن اسحاق است که فرد مهملی است (خوئی، ۱۳۷۲: ۷/۲۶۶). شیخ صدوق در عیون، همین روایت را از ایوب بن نوح با سند صحیح آورده (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۵۹) و سپس روایتی دیگر با سند صحیح نقل کرده است: «قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام إِنِّي سَأُفْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا فَمَنْ زَارَنِي عَارِفًا بِحَقِّي غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (همان، ۲/۲۶۱).

۲-۱. روایات مرتبط با آیه دوم سوره فتح

در دومین آیه سوره فتح بعد از اشاره به فتح مکه در آیه اول، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا». از آنجاکه این آیه مخصوص نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده و مسئله اصلی

پژوهش حاضر تحلیل وعده بخشش گناهان آینده به مخاطب عام است، بحث از آن داخل در موضوع پژوهش نیست؛ اما روایات مربوط به این آیه می‌تواند در مقصود پژوهش حاضر مفید باشد. کلینی در روایتی موثق از ابی بصیر چنین نقل کرده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تُثَعِّبُ نَفْسَكَ وَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ فَقَالَتْ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا. قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى ﴿طه﴾ * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه/۱-۲)» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۵/۲). روشن است که عایشه به آیه دوم سوره فتح استناد کرده و دلالت عبارت غفران ما تأخر بر بخشش گناهان آینده، هم از دیدگاه سؤال کننده و هم از دیدگاه نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ مورد تأیید قرار گرفته است. در تفسیر قمی روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که مانند روایت کافی است؛ اما در آن از همسر دیگر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أم سلمه، نام برده شده و تفصیل بیشتری دارد (قمی، ۱۴۰۴: ۷۵/۲). شیخ طوسی نیز در امالی چنین نقل کرده که عمر بن خطاب بعد از مشاهده تعب ناشی از عبادت نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شگفتی از آن همه عبادت به وعده خداوند به ایشان اشاره کرده است: «قَالَ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَنْتَ تُجْهِدُ هَذَا الْاجْتِهَادَ؟ فَقَالَ: يَا عُمَرُ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۴). همچنین در روایتی دیگر گفت وگویی میان امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ و جابر نقل شده که همین معنا را مورد تأکید قرار داده و به همین روایت اشاره شده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۳۷). در منابع عامه نیز همین معنا بدون اشاره به نام عمر آمده است (مسلم، ۱۴۱۲: ۴/۲۱۷۱؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۲/۲۹۱، ۲۲/۸، ۱۵۱/۱۰؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۲/۵۳۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۲/۲۰۸؛ نسائی، بی تا: ۱/۴۱۸). روایت کافی نیز به نقل از عروه بن زبیر از عایشه در صحیح مسلم با عبارات مشابه آمده است (مسلم، ۱۴۱۲: ۴/۲۱۷۲).

۱-۳. روایات بخشش گناهان در دیگر موارد

افزون بر این، در روایات شیعه نیز درباره برخی موضوعات دیگر (بیش از ده موضوع)

وعده بخشش گناهان آینده دیده می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید از طریق جست‌وجوی دو کلیدواژه ما تقدّم و ما تأخّر در روایات شیعه به دست آمده است. کلینی در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به این ثواب برای حجّاج اشاره کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْحَاجُّ ثَلَاثَةَ فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيباً رَجُلٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَ مَا تَأَخَّرَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۴). صدوق همین روایت را در خصال با سندی صحیح و مشابه با سند کلینی و البته تفاوتی جزئی در متن نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۱۴۷). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام در کافی نیز به این ثواب اشاره شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۲۱) و همچنین صدوق در فقیه روایتی مشابه از ایشان به صورت مرسل نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۲۲۶). براساس روایتی که صدوق در امالی از امام صادق علیه السلام از آباء طاهرين ایشان از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده، این ثواب برای ذاکر فضیلتی از فضایل امیرالمؤمنین دانسته شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يَحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقِرّاً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ» (همو، ۱۳۷۶: ۱۳۸). صدوق در کتاب فضائل الأشهر الثلاثة روایتی از امام رضا علیه السلام نقل کرده که غفران ما تقدّم و ما تأخّر به فردی که ماه رمضان را با اخلاص روزه بگیرد، وعده داده شده (همو، ۱۳۹۶: ۱۱۶) و شیخ مفید نیز در مقنعه روایتی مشابه از امیرالمؤمنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۵). صدوق در روایتی دیگر، افزون بر عمل یادشده، این ثواب را برای کسی که شب قدر را قیام به عبادت کند، آورده است (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۱۰۵). همچنین شیخ طوسی این مضمون را از امام صادق علیه السلام در قالب دعا از خداوند نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۱۲۶). در کتاب‌های ادعیه، نمازی خاص برای شب چهارشنبه در قالب روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده که غفران ذنوب ما تقدّم و ما تأخّر برای نمازگزار وعده داده شده است (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۱۴۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱/۲۵۵). افزون بر این روایاتی دیگر برای نمازی خاص در شب جمعه نقل شده که همین اثر برای آن بیان شده است (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۱۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱/۲۶۰). براساس روایاتی که صدوق در آثار خود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

نقل کرده، این ثواب برای روزه سه روز از رجب آورده شده (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۲۵، ۳۷؛ همو، ۱۳۷۷: ۵۴؛ همو، ۱۳۷۶: ۵۳۵، ۵۴۲) و در روایتی دیگر از او بخشش گناهان ما تقدّم و ما تأخّر برای فردی که دو روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، آمده است (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۴۴). کلینی روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که براساس آن وقتی مؤمن به نود سالگی برسد، خداوند گناهان ما تقدّم و ما تأخّر او را می بخشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۱۰۷). این روایت همراه دو روایت دیگر با همین مضمون در خصال نیز آمده (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۴۶، ۵۴۷) و در روایتی دیگر، بخشش گناهان ما تقدّم و ما تأخّر فردی که عمر او به هشتاد سالگی برسد، آمده است (همان، ۵۴۵). در روایتی درباره ثواب نماز قبل از دعا در روز عرفه نیز به این نتیجه اشاره شده است (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۱ / ۳۳۶). صدوق در فقیه ضمن روایتی مفصل، بخشش گناهان ما تقدّم و ما تأخّر را برای کسی که بر میتی نماز اقامه کند، آورده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴ / ۱۷). در ثواب الأعمال نیز در دو روایت جداگانه این پاداش برای کسی که یک ششم شب را به نماز ایستاده (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۴۳) و کسی که هر شب سوره مؤمن را بخواند (همان، ۱۱۳) ذکر شده است.

۱-۴. روایات عامه

ابوداود در سنن خود روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که گناهان ما تقدّم و ما تأخّر فردی که پس از خوردن طعامی یا پوشیدن لباسی، سپاس خداوند را بر زبان جاری کند، بخشیده خواهد شد (ابو داود، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۷۲۷). در روایتی دیگر از ام سلمه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله، این ثواب برای احرام حج یا عمره از مسجدالأقصی آمده و البته راوی نسبت به بیان این الفاظ یا عبارت «وَجَبَّثَ لَهُ الْجَنَّةَ» مردد است که این خود بر تقارب معنای این دو عبارت نزد راوی دلالت می کند (همان، ۷۵۴ / ۲). احمد در سه موضع از مسند خود روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که براساس آن، این ثواب برای فردی که شب قدر را درک کند، بیان شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۳۷ / ۳۸۷، ۴۰۶، ۴۲۵). همچنین ابن حنبل این ثواب را برای کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۴ / ۵۴۸) و فردی که به

سن نود سالگی برسد (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۲/۲۱) نقل کرده است.

جمع‌بندی

براساس آنچه آمد، می‌توان گفت که در میان روایات امامیه بر وجود چنین ثوابی تواتر معنوی وجود دارد. از نظر اعتبارسنجی، بر مبنای رجالی متأخرین یعنی تقسیم چهارگانه روایات، بخشی از روایات پیش‌گفته صحیح و موثق است که به آن اشاره شد. تعداد قابل توجهی از این روایات نیز در کامل‌الزیارات آمده که از نظر اعتبار جزء کتاب‌های قابل توجه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۷). براساس مبنای رجالی قدما و محوریت کامل‌الزیارات که از آن به منهج فهرستی نیز تعبیر می‌شود، تعداد بیشتری از این دسته روایات از اعتبار برخوردار خواهد بود. در منهج فهرستی برخلاف منهج رایج در اعتبارسنجی که بر بررسی وثاقت راویان حدیث استوار است، اعتبار روایت با توجه به منبع و کتاب نقل‌کننده آن بررسی شده و در نتیجه حجم بیشتری از روایات معتبر دانسته می‌شود (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شیرازی و ملکی، ۱۴۰۱). حجم اصلی روایات نیز به بحث زیارت و البته زیارت اباعبدالله علیه السلام مربوط بوده و تعدادی به برخی اعمال دیگر اختصاص دارد. نکته مهم اینکه این ثواب در روایات عامه نیز وجود دارد؛ اما موارد آن نسبت به روایات شیعه بسیار محدود است.

۲. شناسایی روایات مرتبط

منظور از روایات مرتبط آن دسته از روایات است که با تعبیری مشابه عبارت یادشده همچون رهایی از آتش دوزخ و وجوب جنت، بر همین معنا و بی‌اثر دانستن گناهان آینده بر سعادت و عاقبت فرد دلالت دارد. شناسایی این روایات از آن رو مهم است که در ترسیم نقشه روایات موضوع مورد بررسی پژوهش و دلالت‌یابی آن‌ها مفید خواهد بود.

در دسته‌ای از روایات، با عبارت «مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ» به ثواب برخی امور اشاره شده است. کلینی در روایتی با سند موثق از امام باقر علیه السلام آورده است: «سَأَلْتُهُ عَنْ دُخُولِ الْكَعْبَةِ قَالَ الدُّخُولُ فِيهَا دُخُولٌ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَالْخُرُوجُ مِنْهَا خُرُوجٌ مِنَ الدُّنُوبِ مَعْصُومٌ

فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ مَغْفُورٌ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۲۷). در این روایت که در من لایحضره الفقیه و تهذیب الأحکام نیز آمده (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۲۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۲۷۶) ثواب حضور در کعبه خروج از گناهان و بخشش آن‌ها دانسته شده؛ اما عبارت «مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ» بر امری فراتر از بخشش گناهان گذشته دلالت داشته و به صراحت به اثر این عمل بر اعمال آینده فرد اشاره دارد. براساس روایتی که صدوق در امالی و فقیه آورده، همین ثواب برای اذان گفتن خالصانه بیان شده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ أَدَّنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَاةً وَاحِدَةً إِيْمَانًا وَ اِحْتِسَابًا وَ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَنْ عَلَيْهِ بِالْعِصْمَةِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ وَ جَمَعَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۱۲؛ همو، ۱۴۱۳: ۱/۲۹۴).

در دسته دیگری از روایات، قطعی شدن بهشت با عبارت «وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» از طریق انجام برخی افعال وعده داده شده است. کلینی در روایتی صحیح از امام صادق ع آورده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۶). کلینی در موردی دیگر چنین آورده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ رَدَّ عَنْ قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةَ مَاءٍ أَوْ نَارٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (همان، ۵/۵۵). در دو مورد دیگر از کتاب کافی نیز این ثواب آمده است: کسی که مؤمنی را سیر کند (همان، ۲/۲۰۰) و کسی که از سر اخلاص تهلیل بگوید (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۵۲۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۳۳۴). در چند روایت در کتاب فقیه، از قطعی بودن بهشت برای فردی که رغبت و رهبت در قلبش جمع شده باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۲۰۹)، فردی که یک سال در شهری از بلاد مسلمین اذان بگوید (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۲۸۵؛ همو، ۱۳۷۷: ۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۲۸۳) و کسی که یک سال بر هفتاد مرتبه استغفار در نماز وتر پایداری کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۴۸۹) خبر داده شده است. سند آخرین روایت صحیح است. صدوق در روایتی موثق از امام رضا ع آورده است: «مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ رَغْبَةً فِي ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (همو، ۱۳۹۶: ۱۷). در روایات دیگری نیز همین مضمون و در برخی موارد با اختلاف در تعداد ایام (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۲۳؛ همو، ۱۳۷۷: ۵۳) و یا مربوط به ماه شعبان آمده است

(همو، ۱۳۹۶: ۵۴، ۵۷، ۱۱۵؛ همو، ۱۴۱۳: ۹۲/۲). صدوق در ثواب الأعمال این دو روایت صحیح را آورده است: «مَنْ أَشْبَعَ كَيْدًا جَائِعًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱۸۴) و «مَنْ أُلْهِمَ الْإِسْتِرْجَاعَ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (همان، ۱۹۸). درباره زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵۱/۶).

۳. تحلیل معناشناختی روایات بخشش گناهان آینده

در این بخش به تحلیل معناشناختی روایات مربوط به بخشش گناهان آینده پرداخته می‌شود:

۳-۱. معناشناسی عبارت «غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»

دو مصدر غُفِرَ و غُفِرَ در کلام عرب هم معنا بوده و به معنای ستر و پوشیدن هستند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵/۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۲۷/۳). «غُفِرَ الرَّجُلُ» به معنای بهبود از بیماری است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۶۹/۵). راغب اصفهانی در مفردات این ریشه را به معنای پوشاندن چیزی که مانع رسیدن آلودگی باشد، معنا کرده و غفران و مغفرت خداوند را به معنای حفظ عبد توسط خدا از عذاب دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹). در این عبارت غُفِرَ متعدی است؛ خداوند فاعل آن و «ما»ی موصوله (ما تقدم و ما تأخر) مفعول آن است. در حالت استعمال مجهول نیز مای موصوله نائب فاعل است. توضیح مطلب اینکه مراد از غفرانِ ذنوب گذشته و پرده‌پوشی نسبت به گناهان است. عبارت «ما تقدم من ذنبه» به معنای گناهان گذشته بوده و واضح است؛ اما نکته اصلی در اینجا مراد از «ما تأخر» است. لغت تأخیر در مقابل تقدیم به کار رفته و معنا می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۵/۱) و معنای آن متناسب با موضوع به کار رفته، قراین موجود و مقابله متصوّر بین تقدیم و تأخیر در محل کلام خواهد بود. اگرچه «تأخر» فعل ماضی است، از نظر معنایی با توجه به ساختارهای بلاغی کلام عرب، امکان انتقال هریک از دو معنای گذشته و آینده را در موارد جداگانه دارد. دلالت

لغت در تبیین مراد از غفران گناهان ما تأخر بیش از این نیست. اگر مبدأ برای سنجش تقدّم و تأخّر زمان حال و اکنون باشد، مراد از «ما تأخر» موارد مربوط به آینده بوده و شامل گناهانی می‌شود که در آینده امکان تحقق داشته باشند. در این فرض، معنای استعمالی «تأخر» همچون صیغۀ آن همان معنای موضوعی له یعنی ماضی است. در صورتی که ملاک مبدأ برای سنجش تقدّم و تأخر لحظۀ حال و اکنون نباشد، بلکه زمانی مقدّم بر آن باشد، مراد از «ما تأخر» می‌تواند فاصلۀ میان مبدأ تا لحظۀ حال و یا فراتر از آن باشد. در این فرض، معنای استعمالی «تأخر» برخلاف صیغۀ آن ماضی نیست. اشکال اصلی مطرح درباره‌ی روایات مورد بحث و موضوع اصلی پژوهش حاضر، در فرض اول و شمول «ما تأخر» بر آینده است.

۲-۳. شمول عبارت «ما تأخر» بر اعمال آینده

با توجه به آنچه در معناشناسی لغات این عبارت گذشت، از نظر ادبی و استعمال لغت عرب چنین معنایی ممکن است. از آنجاکه مشابه این عبارت در آیه‌ی دوم سورۀ فتح درباره‌ی نبی اکرم ﷺ به کار رفته، بررسی تفاسیر ذیل این آیه می‌تواند از این نظر نیز روشنگر باشد. طبری مراد از «ما تأخر» در آیه‌ی پیش گفته را اعمال نبی اکرم ﷺ بعد از فتح مکه دانسته و توضیح داده که اگر تفسیر دیگری صحیح باشد، دستور استغفار به ایشان و همچنین توبه و استغفارهایی که از ایشان صادر شده، بی‌وجه خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲: ۴۳/۲۶). دینوری ملاک تقدّم و تأخر را شروع وحی و بعثت دانسته؛ اما نهایت را وفات نبی معرفی کرده است (دینوری، ۱۴۲۴: ۳۲۱/۲). ماتریدی درباره‌ی گناه مطرح شده در آیه‌ی یادشده دو احتمال داده است: گناه نبی و گناه امت. او می‌گوید که بخشش گناهان آینده می‌تواند به معنای عصمت باشد و از نظر لغت نیز این استعمال قابل قبول است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۲۹۲/۹). مطابق آنچه در توضیح ریشۀ غفر آمد، صحت این مدعا روشن است. شیخ طوسی در تبیان به چهار وجه اشاره کرده و همه‌ی آن‌ها را با اعتقاد شیعه به عصمت کلی نبی در همه‌ی دوران حیاتش مخالف می‌داند. او مانند استادش، سید

مرتضی، دو احتمال دربارهٔ ذنب ارائه داده که در هر دو احتمال، «ما تأخر» بر آنچه در آینده محقق می‌شود، دلالت دارد (طوسی، بی تا: ۳۱۴/۹؛ علم الهدی، ۱۴۳۱: ۳/۳۴۹). طبرسی نیز به همین مطالب اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۱۶۸). همچنین فخر رازی در تعیین مراد از «ما تأخر» به چهار قول اشاره کرده که نافی دلالت لفظی این عبارت بر گناهان آینده نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸/۶۶). براساس آنچه در بخش «۱-۲» و بخش «۱-۳» پژوهش حاضر گذشت و همچنین در روایات مربوط به حج خواهد آمد، به روشنی این دلالت لفظی ثابت و تأیید می‌شود. همچنین با توجه به موارد ذکرشده، این امر واضح است که ماضی بودن فعل «تأخر» هیچ اختلالی در امکان استعمال این فعل در معنایی که شامل آینده باشد، ایجاد نخواهد کرد و در نتیجه، ادعای عدم امکان دلالت این عبارت بر معنای آینده نادرست است (راسل، ۱۳۹۸).

۳-۳. معانی عبارات مشابه

دو عبارت «مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ» و «وَجَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ» نیز معنایی مشابه معنای مورد نظر دارند. معنای این عبارات‌ها از نظر لغت‌شناسی روشن است. عبارت اول با توجه به روایات مورد اشاره به صراحت بر عصمت در آینده و پس از زمان انجام فعلی خاص دلالت کرده و با توجه به شمول مورد آن به غیرمعصوم، عصمت مورد ادعا می‌تواند به معنای عدم تحقق گناه بوده و ممکن است به معنای بخشش گناه یا همان مغفور بودن گناه باشد که معادل معنای غفران ذنب ما تأخر است. عبارت دوم نیز با توجه به وعدهٔ قطعی بر بهشتی بودن با بخشش همهٔ گناهان فرد متلازم است؛ زیرا در اساس بخشش گناهان به معنای بی‌اثر شدن آن‌ها در عاقبت فرد بوده و این در حالی است که مانع ورود فرد به بهشت، گناهان اوست.

۳-۴. فرضیه‌های معنایی غفران ذنوب ما تأخر

مطابق با روش صحیح پژوهش، در این مرحله لازم است که به طرح و بررسی دیدگاه صاحب نظران پرداخته شود. براین اساس، با رجوع به شروح حدیث و دیگر آثار کوشیده

شد به چنین نظراتی دسترسی پیدا شود؛ اگرچه سرانجام داده قابل توجهی پیدا نشد؛ برای نمونه مجلسی دوم که بیشتر روایات مورد اشاره را در بحارالانوار نقل کرده، در هیچ موردی به تحلیل معنای عبارت مورد نظر اشاره‌ای نکرده است (برای نمونه بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴/۹۹، ۲۶/۲۲۹). مجلسی اول نیز در شرح کتاب من لایحضره الفقیه به این روایات اشاره کرده؛ اما درباره عبارت یادشده توضیحی نداده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵/۳۸۵، ۳۸۸، ۴۰۱، ۹/۴۳۰). مجلسی دوم در مرآة العقول ذیل شرح عبارت «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ» (دعای نبی اکرم ﷺ بعد از نمازها) از حدیث ششم «باب الدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ» کتاب کافی به پنج وجه در تفسیر این عبارت اشاره کرده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲/۳۵۳)؛ اما از آنجا که این عبارت دعا بوده و درخواست بخشش گناهان آینده با وعده بخشش متفاوت است، این وجوه برای مسئله پژوهش حاضر مفید نخواهد بود. افزون بر این، دعای یادشده همچون آیه دوم سوره فتح به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص دارد. در میان شروح سنن ابی داود و مسند ابن حنبل نیز سخن قابل توجهی در تفسیر بخشش گناهان آینده پیدا نشد. تنها مقدسی در شرح خود بر سنن ابی داود ذیل حدیث ۴۰۲۳ که در ابتدای طرح روایات عامه به آن اشاره شد، در تشریح عبارت «ما تأخَّر»، از جواز وقوع این امر سخن به میان آورده و با ذکر موارد دیگری در روایات عامه که در معنا با این عبارت هم نتیجه‌اند، به چند احتمال اشاره کرده است: ۱. فرد برای هر کاری که در آینده انجام دهد، مؤاخذة نخواهد شد. ۲. سیئات آنان بخشیده خواهد شد؛ چنان‌که گویا هرگز محقق نشده است. ۳. آنان از انجام سیئه محفوظ داشته شده و در نتیجه هیچ گناهی از ایشان صادر نخواهد شد (مقدسی، ۲۰۱۶: ۱۶/۱۸۸، ۱۹۰). در کتاب الفتح الربانی لترتیب مسند الإمام احمد بن حنبل به اشکال بخشش گناهان آینده چنین پاسخ داده شده که این عبارات به معنای حفظ فرد توسط خداوند از انجام کبایر بوده و گفته شده که به معنای وعده بخشش گناهان است (البنی الساعاتی، بی تا: ۱۰/۲۷۰).

با این مقدمه در ادامه پژوهش، دیدگاه‌های احتمالی در قالب فرضیه ارائه شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. با توجه به اختصاص حجم اصلی روایات مورد بحث به موضوع

زیارت اباعبدالله علیه السلام، بحث با محوریت این دسته از روایات سامان داده خواهد شد. براساس آنچه آمد، می‌توان به فرضیه‌هایی به شرح زیر اشاره کرد:

- فرضیه اول: مراد از غفران بی‌اثر بودن گناهان آینده است؛ به این معنا که فرد بعد از انجام فعل مربوط (زیارت یا موارد دیگر)، در صورت ارتکاب گناه خداوند او را خواهد بخشید.

- فرضیه دوم: روایات استیناف عمل که در ادامه خواهد آمد، قرینه برای معنای ما تأخر قرار گرفته و در نتیجه، این دسته از روایات که شامل عبارت ما تأخر است به معنای بخشش گناهان آینده نیست؛ بلکه به معنای بخشش گناهان اخیر در مقابل گناهان قدیم است.

- فرضیه سوم: همه زائران دارای یک رتبه واحد نیستند؛ بلکه دو رتبه برای زائر قابل فرض است: رتبه بخشش کل گناهان و رتبه بخشش گناهان ماضی و استیناف عمل. روایات مربوط به زیارت اباعبدالله علیه السلام نیز به طور جداگانه به این دو رتبه اشاره می‌کند. درباره رتبه دوم ابهامی وجود دارد و شامل وعده غفران ذنوب ما تقدّم از طریق انجام زیارت است. مراد از بخشش گناهان آینده نیز معنای مطرح شده در فرضیه اول نیست؛ بلکه مراد این است که فرد از طریق زیارت به مقامی نائل می‌شود که در صورت حفظ شرایط آن مقام، زمینه رفتار گناه‌آلود برایش فراهم نشده و از نوعی عصمت به معنای عدم تحقق شرایط گناه برخوردار خواهد بود؛ اما در صورت خروج اختیاری از این مقام و از دست دادن شرایط لازم، به حال قبل از زیارت برگشته و امکان تحقق شرایط ارتکاب گناه و انجام آن فراهم خواهد شد. این معنا را می‌توان به کشتی مانند کرد که افراد تا زمانی که خود را درون کشتی نگه دارند، از خطرات دریا در امان‌اند؛ اما در صورت خارج شدن از کشتی امکان آسیب دیدن آنان فراهم می‌آید. زائر رتبه اول بعد از زیارت بر کشتی امام سوار شده و تا وقتی خود را درون کشتی نگه دارد و شرایط لازم را در خود حفظ کند، از این امتیاز برخوردار بوده و زمینه گناه برای او فراهم نخواهد شد.

- فرضیه چهارم: مراد از این روایات، نفی انجام گناه توسط زائر در آینده و یا بخشش

پیش از انجام گناه نیست؛ بلکه مراد این است که خداوند پس از زیارت به زائر توفیق خواهد داد که در آینده از گناهانش توبه کند؛ بدین سان این روایات، فرصت یافتن زائر برای توبه و پذیرش توبه ضمانت می‌کنند.

- فرضیه پنجم: در نتیجه زیارت از روی معرفت، زائر به رشد و سطحی از معرفت می‌رسد که باعث دوری از گناه شده و چنان‌که عاقل به اختیار خود از خوردن سم اجتناب می‌کند، او نیز پس از زیارت به سوی گناه نخواهد رفت.

در تعدادی از روایات کامل‌الزیارات به غفران گناهان گذشته به‌عنوان پاداش زیارت اشاره شده و به زائر گفته شده که عمل را از سر بگیرد. صفوان چنین نقل می‌کند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْعَتُهُ سَبْعُمِائَةِ مَلَكٍ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ حَتَّى يُبْلِعُوهُ مَأْمَنَةً فَإِذَا زَارَ الْحُسَيْنَ نَادَاهُ مُنَادٍ قَدْ غُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۰). در روایت شعیب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز چنین آمده است: «يَا شُعَيْبُ أَيَسَّرَ مَا يُقَالُ لِرِزَائِرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدْ غُفِرَ لَكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَاسْتَأْنِفِ عَمَلًا جَدِيدًا» (همان، ۲۵۲). همچنین در چهار روایت دیگر این عبارت آمده (همان، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۹۱، ۲۰۵) و در یک روایت چنین نقل شده که «مَنْ زَارَهُ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَوْلُودٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (همان، ۱۴۵). روایات استیناف عمل به زیارت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ محدود نبوده و در موضوعات دیگری مانند روزه سی روز رجب (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۳۹)، حج (همو، ۱۴۱۳: ۲/۲۰۳) و قرائت سوره قدر در نماز فریضه (همو، ۱۳۷۷: ۱۲۴) مشابه آنچه در بخش «۱-۳» آمد نیز نقل شده است.

اما نکته مهم در روایات مربوط به باب حج دیده می‌شود که هر دو تعبیر غفران ذنوب ما تأخر و استیناف در کنار هم و به‌عنوان قسیم هم به کار رفته که می‌تواند برای تعیین مراد استعمالی از این الفاظ مفید باشد. کلینی در روایتی صحیح چنین نقل کرده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَاجُّ ثَلَاثَةً فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيبًا رَجُلٌ غَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَمَا تَأَخَّرَ وَوَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَ الْقَبْرِ وَأَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ غَفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَ

يَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ وَ أَمَّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ حُفِظَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۴). در این روایت به نسبت این سه دسته با هم که از آن به صنف یاد شده و ترتیب فضیلت آن‌ها تصریح شده است. کلینی سپس روایتی صحیح نقل کرده که هرچند از نظر الفاظ با روایت اول تفاوت دارد، قابل تطبیق بر آن است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَاجُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صِنْفٌ يُعْتَقُ مِنَ النَّارِ وَ صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ صِنْفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ هُوَ أَذْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ» (همان جا). کلینی جای دیگری نیز روایتی صحیح مانند روایت اخیر نقل کرده (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۳/۴) و در روایتی دیگر سه رتبه در یک عبارت جمع شده است (همان، ۲۵۲). از این دو روایت به وضوح چنین می‌توان فهمید:

۱. غفران ذنوب ما تقدّم و ما تأخّر و استیناف دو ثواب متفاوت است؛
۲. ثواب استیناف به معنای بخشش گناهان پیشین است؛
۳. غفران ذنوب ما تأخّر برتر از استیناف است؛
۴. ثواب «عتق من النار» معادل غفران ذنوب ما تقدّم و ما تأخّر است؛
۵. «يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» به معنای بخشش گناهان گذشته است؛
۶. دو ثواب یاد شده با ثواب «يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ» متفاوت است.

۳-۵. ارزیابی فرضیه‌ها

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان فرضیه‌های یاد شده را چنین ارزیابی کرد:
 - ارزیابی فرضیه اول: مراد از این غفران نمی‌تواند بی‌اثر بودن گناهان آینده و وعده بخشش باشد؛ زیرا این معنا با روح کلی قرآن، شریعت و سنت اسلامی سازگاری ندارد. لازمه این تفسیر ترویج اباحه‌گری است که از ساحت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دور است. خداوند متعال چنین شأنی حتی برای رسولان خود نیز قائل نبوده؛ چنان‌که اگر ترک اولی‌ای از آنان سر زده، بی‌درنگ توبه و استغفار کرده‌اند. در آیات ۹۲-۹۳ سوره حجر به سؤال از افعال همگان تصریح شده است: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و همه آیات

وعید بر مسئول بودن افراد نسبت به همهٔ افعالشان دلالت دارد.

- ارزیابی فرضیهٔ دوم: در این فرضیه، روایات استیناف عمل برای زیارت امام حسین علیه السلام قرینه‌ای برای معنای ما تأخر قرار گرفت و با ادعای هم معنایی این دو دسته چنین نتیجه گرفته شد که روایات شامل عبارت ما تأخر به معنای بخشش گناهان آینده نیست. با این مقدمه می‌توان احتمالاتی مشابه آنچه در تفسیر آیهٔ دوم سورهٔ فتح بیان شده، برای تفاوت بین گناهان ما تقدّم و گناهان ما تأخر نیز ارائه کرد؛ اما در هر صورت، این معنا بر بخشش گناهان آینده دلالت نخواهد داشت. این فرضیه با این اشکال روبه‌روست که روایت تقسیم حجاج به سه دسته، این دو دسته را مقابل هم قرار می‌دهد و براین اساس، روایات استیناف عمل برای زیارت امام حسین علیه السلام قرینه‌ای برای معنای ما تأخر نیست؛ بلکه در مقابل آن دسته قرار گرفته و زائران اباعبدالله علیه السلام نیز مانند حجاج به دو یا سه گروه قابل دسته‌بندی هستند و دستهٔ اول زائران اباعبدالله علیه السلام مشمول بخشش گناهان آینده خواهند بود. روایات مطرح شده در بخش «۱-۳» نیز که در غیر موضوع زیارت و حج آمده، مؤید روشنی بر تفاوت این دو ثواب است.

- ارزیابی فرضیهٔ سوم: با توجه به آنچه در نقد فرضیهٔ دوم گذشت، می‌توان گفت که زائران همه دارای یک رتبهٔ واحد نیستند؛ بلکه دو رتبه برای زائر قابل فرض است: رتبهٔ بخشش کل گناهان و بخشش گناهان ماضی و استیناف عمل. اما نقد اصلی به این فرضیه این است که علاوه بر آنچه در توضیح آن آمد و تعبیر «سَفِيْنَةُ نَجَاةٍ» - که می‌تواند به نفع این فرضیه تفسیر شود - (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۶۰/۱) قرینه‌ای بر ترجیح آن پیدا نمی‌شود.

- ارزیابی فرضیهٔ چهارم: شرایط این فرضیه نیز مانند فرضیهٔ سوم است.

- ارزیابی فرضیهٔ پنجم: در این فرضیه از معنای ظاهری غفران ذنوب ما تأخر که بر بخشش گناه دلالت دارد، صرف نظر شده و معنای عدم تحقق گناه برای این عبارت ادعا شده است. از آنجاکه معنای مجازی در مواردی که قرینهٔ قطعی بر عدم امکان تمسک به معنای ظاهری وجود دارد، امری روشن و مقبول در نظام عقل محور دین‌شناسی شیعی

است، عدول از معنای اول به معنای دوم با توجه به آنچه در نقد فرضیه‌های قبل آمد، پذیرفتنی است. زیارت بازبسته به درجه‌های متفاوت معرفتی زائر ثمره‌های متفاوتی داشته و همه زائران و همه زیارات یکسان نیستند. براساس روایات حج، برخی زائران از ثمرات کمی برخوردار بوده و برخی دیگر به ثواب غفران ذنوب دست می‌یابند که این امر، یعنی مغفرت گناهان گذشته امری کاملاً معهود و پذیرفته شده در معارف دینی است. اما دسته‌سومی از زائران نیز وجود دارند که به علت عمق معرفتی، پس از زیارت به درجه‌ای دست یافته‌اند؛ چنان‌که باطن فاسد گناه را شناخته و در نتیجه احتمال ارتکاب گناه از آنان منتفی است. قید «عَارِفًا بِحَقِّهِ» که در روایات فضل زیارت آمده (بنگرید به: ۱-۲) مؤید این معناست. نکته مهم در این معنا ارتباط ثواب و معرفت است که امری درونی بوده و نفس فرد شاهد بر آن است. براین اساس، شناخت فرد نسبت به درجه معرفتی خود و همچنین سطح ثواب حاصل از زیارت، امری درونی بوده و در نتیجه زمینه اباحی‌گری منتفی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

ثواب برخی اعمال، مانند حج و زیارت دارای درجات متفاوتی است و در این میان، مسئله ثواب غفران ذنوب ما تأخر در روایات شیعی، از تواتر معنوی برخوردار است. با توجه به نتیجه حاصل از کنار هم نهادن روایات مربوط به زیارت ابا عبد الله علیه السلام و ثواب حجاج، وعده بخشش گناهان آینده بالاترین درجه ثواب این اعمال بوده و چنان نیست که شامل همه زائران و حجاج شود. گرچه دلالت لفظی عبارت «عُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» بر بخشش گناهان آینده از نظر لغت و استعمال در برخی روایات ثابت شده بوده و عبارات «مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ» و «وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» نیز مؤید این معنا است، این ثواب به قراین دیگری که از متون اسلامی ظاهر است به معنای ظاهری آن، یعنی وعده بخشش گناهانی که هنوز محقق نشده به علت انجام یک فعل همچون زیارت نخواهد بود. از آنجاکه معنای ظاهری این عبارات سبب نوعی اباحه‌گری است، باید گفت که

عبارت یاد شده بر دستیابی فرد به چنان سطحی از معرفت دلالت دارد که انجام گناه را منتفی می‌کند. آنچه از عبارات مشابه مانند عصمت در باقی مانده عمر و وجوب جنت فهمیده می‌شود نیز با توجه به تقارن آن عبارات با مضامین مورد نظر در پژوهش حاضر، نه تنها در موارد متعدد به همین معنا بوده، بلکه مؤید این تفسیر است. علت این امر آن است که عصمت از گناه به معنای بخشش گناه نیست؛ بلکه بر عدم انجام گناه دلالت دارد و وجوب بهشت نیز بدون علت نبوده و علت آن عدم تحقق گناه از فرد است. درباره نقل این ثواب در مورد اعمال دیگر نیز همین تفسیر قابل پذیرش است. افزون بر این با توجه به تعدد عبارت «عَفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» و عبارت «عَفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» در منابع روایی شیعی، احتمال تصحیف و تحریف ناخواسته قابل توجه است؛ زیرا تعدد این دو عبارت و شباهت و نقل آن‌ها در موارد همانند زمینه این احتمال را فراهم می‌کند که راویان و یا ناسخان در مواردی عبارت «ما تأخّر» را افزوده باشند و بدین سان موارد غفران ذنوب آینده در اصل، محدودتر از موارد یاد شده بوده باشد. بررسی دقیق‌تر این احتمال مجال دیگری می‌طلبد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، تصحیح: هاشم حسینی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*، تصحیح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، *فضائل الأشهر الثلاثة*، تصحیح: غلامرضا عرفانیان یزدی، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۹۶ ق.

۷. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد بن حنبل*، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، دار الرضی، قم، ۱۳۳۰ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۹ق.
۱۱. ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الإعلام الإسلامي، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، تصحیح: عبدالحسین امینی، دار المرتضویة، نجف، ۱۳۵۶ش.
۱۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: بشار عواد، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۴. ابو داود، سلیمان بن أشعث، *سنن أبی داود*، دار الحدیث، القاهرة، ۱۴۲۰ق.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، لجنة إحياء كتب السنة، القاهرة، ۱۴۱۰ق.
۱۶. البنا الساعاتی، أحمد بن عبد الرحمن، *الفتح الزیانی لترتیب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی*، إحياء التراث العربی، بی جا، بی تا.
۱۷. پاکزاد، عبدالعلی، «بررسی دلالتی و حلّ تعارض روایت "فمن زارنی عارفاً بحقی غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر" با "صحیح خیثمه"»، *فصلنامه فرهنگ رضوی*، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۴۰۱ش.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*، تحقیق: احمد محمد شاکر، دار الحدیث، القاهرة، ۱۴۱۹ق.
۱۹. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، دفتر آیت الله خوئی، بی جا، ۱۳۷۲ش.
۲۰. دینوری، عبدالله بن محمد، *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۲۱. راسل، روح الله، «ترجمه صحیح ما تقدّم و ما تأخّر در قرآن و روایات»، *نشریه معالم*، اردیبهشت ۱۳۹۸، سایت qaim.ir.
۲۲. راعب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۳. ساجدی، مهدی، «واکاوی معنای آمرزش گناهان متأخر در روایات زیارت امام حسین (علیه السلام)»، پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه: حدیث نت، hadith.net.
۲۴. شیرازی، سید رضا و محمود ملکی، «ارزیابی حدیث به روش تحلیل فهرستی؛ دیدگاه ها و مبانی»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳، تابستان ۱۴۰۱ش.
۲۵. صاحب بن عباد، إسماعیل، *المحیط فی اللغة*، عالم الكتاب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

۲۷. طبری آملی، عمادالدین أبی جعفر، *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۳ق.
۲۸. طبری، محمّد بن جرير، *جامع البيان في تفسير القرآن*، دار المعرفة، بيروت، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طريحي، فخرالدین بن محمّد، *مجمع البحرين*، نشر مرتضوى، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۰. طوسى، محمّد بن الحسن، *الأمالى*، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۱. طوسى، محمّد بن الحسن، *التبيان في تفسير القرآن*، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.
۳۲. طوسى، محمّد بن الحسن، *تهذيب الأحكام*، تصحيح: حسن الموسوى خراسان، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۳. طوسى، محمّد بن الحسن، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، ۱۴۱۱ق.
۳۴. علم الهدى، على بن الحسين، *نفايس التأويل*، مؤسسة الأعلمى، بيروت، ۱۴۳۱ق.
۳۵. فخر رازى، محمّد بن عمر، *التفسير الكبير*، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۲۰ق.
۳۶. قمى، على بن ابراهيم، *تفسير القمى*، تصحيح: طيب موسى جزائرى، دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۷. كلينى، محمّد بن يعقوب، *الكافى*، تصحيح: على اكبر غفارى و محمّد آخوندى، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۸. ماتريدى، محمّد بن محمّد، *تأويلات أهل السنة*، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۲۶ق.
۳۹. مجلسى، محمّد باقر، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مجلسى، محمّد باقر، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مجلسى، محمّد تقى، *روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه*، مؤسسة فرهنگى اسلامى كوشانپور، قم، ۱۴۰۶ق.
۴۲. مسلم بن حجاج، *صحيح مسلم*، تصحيح: محمّد فؤاد عبدالباقى، دار الحديث، القاهرة، ۱۴۱۲ق.
۴۳. مفيد، محمّد بن محمّد، *المقنعة*، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.
۴۴. مقدسى، أبو العباس أحمد بن حسين، *شرح سنن أبى داود*، دار الفلاح، مصر، ۲۰۱۶م.
۴۵. نسائى، احمد بن على، *المجتبى من السنن*، بيت الأفكار الدولية، عمان، بى تا.